

اسلام و ارزش‌های اسلامی

شهید مطهری، ماهیت انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ را اسلامی می‌داند. به این معنی که در همه جهات مادی و معنوی و سیاسی و عقیدتی، روح و هویتی اسلامی حاکم است و تداوم و به ثمر رسیدن آن نیز بر همین مبنا و اساس اسلامی، امکان پذیر خواهد بود. علاوه بر این که، کوشش در جهت حفظ هویت اصیل انقلاب و استمرار اسلامی بودن آن را وظیفه همه مردم می‌داند.(مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ۴۸ و ۴۹)

شهید مطهری، همچنین به ابعاد جامع و فراگیر مفهوم اسلامی بودن پرداخته و می‌گوید: از نظر ما این انقلاب، اسلامی بوده است. اما منظور از اسلامی بودن باید روشن گردد. بعضی‌ها فکر می‌کنند مقصود از اسلام، تنها همان معنویت است که در ادیان بطور کلی از جمله در اسلام وجود دارد. گروه دیگر می‌پندارند، اسلامی بودن به معنای رایج مناسک مذهبی و آزاد بودن انجام عبادات و آداب شرعی است. اما با وجود این تعبیرات، لاقابل بر ما روشن است که اسلام، معنویت محض، آن چنان که غربی‌ها درباره مذهب می‌اندیشند، نیست. (همان ۴۱)

ایشان در ادامه با مشابه دانستن انقلاب اسلامی و انقلاب صدر اسلام، می‌گوید: انقلاب صدر اسلام، در همان حال که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال انقلابی سیاسی، معنوی، اقتصادی و مادی نیز بود. یعنی حریت، آزادی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است. راه موفقیت نهضت ما هم به همین‌ها بوده است. (همان ۴۱)

و سپس نتیجه می‌گیرند: انقلاب ما آنوقت پیروز خواهد شد که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است به دنیا معرفی کنیم. ... مکتبمان را بی‌دون خجالت و شرمندگی آنچنان که واقعاً هست به جهانیان عرضه کنیم... اما اگر قرار است به اسم اسلام یک مکتب تقلید درست شود ... و یگویی اینست اسلام، ممکن است مردم در ابتدا این امر را بپذیرند.... ولی این امر برای همیشه مکتوم نمی‌ماند. (همان ۶۵ و ۶۶)

عدالت اجتماعی

شهید مطهری، موضوع عدالت‌خواهی و تحقق عدالت اجتماعی را یکی از شروط اساسی تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌داند و در این زمینه می‌گوید: با وجود ماهیت اسلامی

دستاوردها

انقلاب اسلامی ثمرات و خدمات بسیاری برای جامعه ایران، بلکه جامعه بشری داشته که در حوزه داخلی و خارجی آثار خود را نشان داده است.

دستاوردهای داخلی

مهم‌ترین دستاورد داخلی انقلاب اسلامی تشکیل نظامی دینی در قالب جمهوری اسلامی بود که بهترین الگو را در عصر دین‌ستیزی، فراروی مردم جهان قرار داد. امام خمینی نخست اسلام را از یک انحطاط تحمیلی خارج کرد و به متن اجتماع بازگرداند و در واقع انقلابی در وضع اسلام بوجود آورد. ایشان رستاخیز بزرگی ایجاد کرد که ذهن و زندگی بخش قابل توجهی از انسان‌ها اعم از مسلمان و غیر مسلمان را دربرگرفت. پیروزی انقلاب اسلامی مهم‌ترین حاصل تلاش ده‌ساله فکری و جهادی امام خمینی در صحنه احیای دیانت و اصلاح جامعه بود. نهادهینه شدن ارزش‌های معنوی، اکتا به مردم در همه حرکت‌ها، ارائه الگوی حکومت مردمی دینی، قطع دست بیگانگان، نهادهینه‌سازی استقلال و آزادی اسلامی، ایجاد اعتماد به نفس، جسارت در مسائل علمی، پرورش استعدادها و ترویج روحیه خودآگاهی، احیای منزلت زن، وحدت میان فرقه‌های اسلامی، ایجاد اتحاد اعم علمی، تربیت انسان‌های صالح، تنها بخشی از برکات و دستاوردهای انقلاب اسلامی است. اما امام خمینی توجه مردم به شخصیت انسانی و بازگشت به هویت خویش را از ثمرات انقلابی آن را برتر از پیروزی بر رژیم پهلوی، شمرده است. ایشان در دنیای گریزان از ارزش‌ها، اسلام ارزش‌های الهی را مطرح و بزرگ کرد و پرچم اسلام را در جهان به اهتزاز درآورد و اندیشه‌مسلمان جهان را به طاعت آن واداشت. چنان که انقلاب اسلامی مردم را از نظر فرهنگی و روحی متحول کرد و ترس و اضطراب را به شجاعت بدل ساخت.

با انقلاب اسلامی از نفوذ اندیشه‌های مادی ازجمله مارکسیسم کاسته شد و اسلام راهنمای عملی جامعه‌های اسلامی شد. وحدت طبقات مختلف اجتماعی ازجمله روحانیان و دانشگاهیان از برکات انقلاب بود. کارنامه انقلاب در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی نیز با وجود کارشکنی‌های فتنه‌های گروه‌های مختلف داخلی و محاصره و فشارهای اقتصادی غرب و هجوم دشمن خارجی، کارآمد و در میان دیگر انقلاب‌های بزرگ ممتاز است. جمهوری اسلامی در حوزه قانون‌گذاری و تحول قوه مجریه و قوه قضاییه و رشد علمی و آموزشی، کشاورزی و دامداری، صنایع و فرهنگ، خدمات بهداشتی و درمانی اجتماعی و خاتمه‌دادن به غارت منابع طبیعی به دست بیگانگان شاهد تحولات بزرگی بوده است.

دستاوردهای خارجی

از نگاه امام خمینی انقلاب اسلامی در تحول فرهنگی و اجتماعی دیگر مردم جهان نیز مؤثر بود. این انقلاب نقطه عطفی در جهان شد و مؤثر اقتداد و کارایی خود را در دنیای مدرنیسم مکتبی به سکولاریسم و لائسیسم به اثبات رساند. انقلاب اسلامی به صورت اساسی بر سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و به احول اسلامی بسیاری به اقبال از انقلاب اسلامی ایران ظهور کردند و برخی از حرکت‌هایی که خاموش بودند، دوباره فعال شدند. این انقلاب به چند سده سستی و ضعف و شکست تمدن اسلامی خاتمه داد و موجب بروز بیداری امت اسلامی شد. زنده‌کردن امید در دنیای اسلام و عرب نسبت به شکست‌پذیری استکبار و صهیونیسم، یوپایی ملت‌ها و مشکل‌آفرینی برای استکبار، قوت‌یابی چپه حق در برابر چپه باطل، تغییر

انقلاب، یعنی جامع تمام مفاهیم و ارزش‌ها و هدف‌ها در قالب و شکل اسلامی، در این صورت این انقلاب به شرطی در آینده محفوظ خواهد ماند و به شرطی تداوم پیدا خواهد کرد که قطعاً و حتما مسیر عدالت‌خواهی را برای همیشه ادامه بدهد.

یعنی دولت‌های آینده واقعاً و عملاً در مسیر عدالت اسلامی گام بردارند، برای پر کردن شکاف‌های طبقاتی این مقصود از اسلام، تنها را واقعاً از میان بردارند و برای برقراری یک جامعه توحیدی به مفهوم اسلامی آن، نه با

*این انقلاب به شرطی در آینده محفوظ خواهد ماند و به شرطی تداوم پیدا خواهد کرد که قطعاً و حتما مسیر عدالت‌خواهی را برای همیشه ادامه بدهد

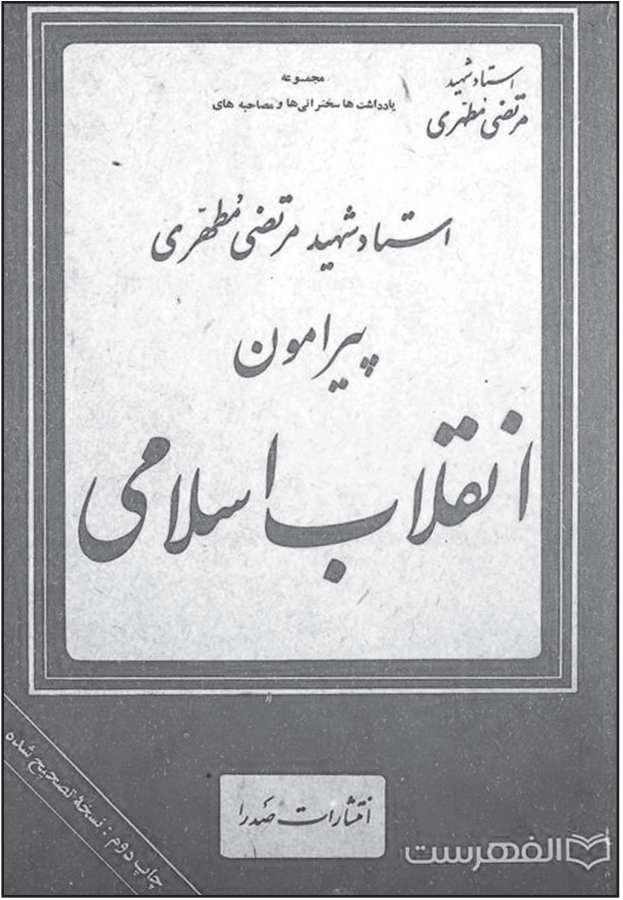
مفهومی که دیگران گفته‌اند، تلاش کنند. در دولت اسلامی نباید به هیچ وجه ظلم و اجحافی به کسی بشود حتی اگر این فرد یک مجرم واجب‌القتل باشد... باز هم حقوقی دارد که آن‌ها باید رعایت شوند. در این زمینه‌ها ما بهترین سرمشق‌ها را از مکتب علی(ع) می‌آموزیم. شما رفتارِ حضرت را با قائلش ببینید، دنیایی از انسانیت، رافت و محبت است. ...این چنین عدلی، باید برای همه ما سرمشق باشد. (همان ۵۹ ـ ۶۰)

شهید مطهری به یک نکته ظریف تاریخی از اوایل حکومت حضرت علی(ع) اشاره کرده و می‌گوید: حضرت به مردمی که برای بیعت با او آمده بودند، فرمودند: «اگر خلافت را بپذیرم ... تمام ثروت‌هایی که در زمان عثمان از مردم به ناحق گرفته شده است همه را منصادره خواهید کرد. اگر چه با آن ثروت‌ها زن گرفته باشید و آن‌ها را مهر زنان خود قرار داده باشید...» آنگاه حضرت به نکته بسیار عجیبی اشاره می‌کنند. می‌فرمایند: «فَنُیُّ الْفَعْلَ سَمْعَهُ» در عدالت ظرفیت و گنجایشی است که در چیز

دیگری نیست.»...

اگر ظرفی باشد که همه گروه‌ها و همه افراد را در خود بگنجاند و رضایت همه را بدست آورد، آن ظرف عدالت است.» (همان ۱۴۶ و ۱۴۷)«استاد»، احساس خطر خود را از آینده انقلاب اسلامی چنین بیان می‌کنند: من تأکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد. (همان)

الزامات تداوم انقلاب اسلامی از نظر استاد مطهری



حفظ استقلال

استقلال به عنوان یکی از محورهای شعار اصلی انقلاب، یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، مورد توجه شهید مطهری قرار دارد و علاوه بر عدالت و آزادی، حفظ استقلال همه انقلاب اسلامی چنین بیان می‌کنند: من تأکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد. (همان)

انقلاب اسلامی، دستاوردها و آسیب‌ها

تصمیم بگیرد، از نظر علمی خودش برای خودش طرح‌ریزی کند، خودش برای اقتصاد خودش نظر بدهد. و بالاتر از همه این‌ها می‌خواهد استقلال فرهنگی، فکری و مکتبی خود را به دست آورد و خودش برای خودش فکر کند و فرهنگ بسازد. ... در دنیای امروز، علوم و فنون در کشورهای مختلف بطور مشابه مورد استفاده قرار می‌گیرد و هیچ ملتی نمی‌تواند ادعا کند که علم خاصی متعلق به اوست. اما علوم یا مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها و راه و رسم‌های زندگی تفاوت دارند. اینجاست

*می‌توان مردم را مجبور کرد که چیزی نگویند و کاری نکنند، اما نمی‌توان مردم را مجبور کرد که این‌گونه یا آن‌گونه فکر کنند

که ملت‌ها حسایشان را جدا می‌کنند. هر ملتی که از خود مکتبی مستقل و استقلال فکری و رای داشته باشد و زیر بار مکتب‌های بیگانه نرود، حق حیات دارد و هر ملتی که مکتب نداشته باشد و بخوهد مکتبش را از ریاگانه بگیرد ناچار تن به بردگی بیگانه خواهد داد. (همان ۱۶۰ و ۱۶۱)

«شهید» با تأکید بر استقلال مکتبی و فرهنگی، آینده انقلاب را با آن گره می‌زند و می‌فرمایند: من بر روی مسأله استقلال، و بالاخص استقلال مکتبی زیاد تکیه دارم. ما اگر مکتب مستقل خودمان را ارائه نکنیم، حتی با اینکه رژیم را ساقط کرده‌ایم و حتی با این فرض که استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی را بدست آوریم، اگر به استقلال فرهنگی دست نیاییم، شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم. (همان ۱۶۴)

حفظ آزادی

«شهید مطهری» یکی دیگر از ارکان تداوم و استمرار انقلاب اسلامی را حفظ آزادی می‌داند

ولی آزادی به معنای معقول و در چارچوب اخلاق و اسلام را تبیین می‌کند. ایشان در این زمینه می‌گویند: از آنجا که ماهیت این انقلاب ماهیتی عدالت‌خواهانه بوده است، وظیفه حتمی همگی ما این است که به آزادی‌ها به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا باشد حکومت جمهوری اسلامی، زمینه اختناق را بوجود بیاورد، قطعاً شکست خواهد خورد. البته آزادی غیر از هرج و مرج است و منظور ما، آزادی به معنای معقول آن است. (همان ۶۲)

همچنین در ارتباط با دیدگاه اسلام نسبت به آزادی می‌نویسند: اسلام دین آزادی است، دینی که مروج آزادی برای همه افراد جامعه است. در سوره دهر آیه ۲، می‌خوانیم: «أَنَا هَدَيْتَاهُ الشَّيْبِلَ أَمَّا شَاكِرًا وَاِذَا كُفِّرًا...» «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَا مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ ...» اسلام می‌گوید دینداری اگر از روی اجبار باشد دیگر دین‌داری نیست. می‌توان مردم را مجبور کرد که چیزی نگویند و کاری نکنند، اما نمی‌توان مردم را مجبور کرد که این‌گونه یا آن‌گونه فکر کنند. (همان ۶۲ و ۶۳)

همچنین در رابطه با آزادی فکر و بیان و قلم می‌فرماید: هر کس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی مسا، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد... که در جامعه ما، محیط آزاد برخورد آراء و عقاید به وجود بیاید بطوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف‌هایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می‌کند. (همان ۶۲)

معنویت اسلامی

از نظر شهید مطهری، یکی دیگر از ارکان انقلاب که حفظ آن در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی نقش اساسی دارد، «معنویت» است، البته معنویت از نوع اسلامی نه معنویتی که مکتاب امروزی اومانیستی تبلیغ می‌کنند. معنویت اسلامی و قرآنی که انسان راهمان طور که دعوت به اصلاح نظام روحی- فکری و اخلاقی می‌کند، اصلاح نظام اجتماعی و روابط بیرونی و به عبارتی، اصلاح درون و بیرون را از انسان طلب می‌کند. معنویت که در او ایمان به خدا و ایمان به مبدأ و معاد، وجود دارد. همچنین استاد شهید، اشاره دارند که: «اگر معنویت را فراموش کنیم، انقلاب خودمان را از یک عامل پیش‌برنده محروم کرده‌ایم.» (همان ۱۶۶ ـ ۱۷۵)

و در خدمت‌گزاری به آنان از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. ایشان بی‌عدالتی اقتصادی و بی‌توجهی به مردم محروم را آسیب جدی انقلاب شمرده و پیاپی به ثروتمندان و مسئولان هشداری می‌داد که در صورت ناراضیانی طبقات محروم، انفجار رخ خواهد داد و همه نابود خواهند شد.

بی‌توجهی به انقلابیان

از توصیه‌های مهم امام خمینی توجه به پیشگامان جبهه انقلاب و دفاع مقدس به مسئولان بود. ایشان با اشاره به نفوذی‌ها و مخالفان انقلاب به مسئولان نظام سفارش می‌کرد نگذارند انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. ایشان به مسئولان سفارش می‌کرد قدر جوانان متعهد، حزب‌اللهی و انقلابی را بدانند و آنان را تشویق و از آنان قدردانی کنند تا موجب شکوفایی بیشتر آنان شوند زیرا آنان صاحبان اصلی انقلابند که ایران را نجات دهند و از این پس نیز حفظ خواهند کرد، چنان‌که توجه به طالب انقلابی و مبارز، از توصیه‌های ایشان به مسئولان حوزه بود، در همین راستا ایشان خطر برخی ملی‌گرایان سازشکار را گوشزد کرده و یادآور شده است که زمام رقب انقلاب در دست ملی‌گرایان بود، به‌راحتی در سختی‌ها و تنگناها دست و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهاند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاق‌ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند.

سوء مدیریت

امام خمینی نظم و سامان‌دهی و برنامه‌ریزی و استفاده از افراد متعهد و متخصص را عامل پیشرفت کشور شمرده است و ازسوی دیگر، سوء مدیریت و ضعف فکر و عمل را موجب تاخیرات، شکست انقلاب برمی‌شمارد. کرده است. ایشان به مسئولان هشدار داده است اگر سبب سوء مدیریت و ضعف فکر و عمل آنان، به اسلام و مسلمانان آسیبی وارد شود، مرتکب گناه کبیره شده‌اند. ایشان توصیه می‌کنند هر یک از آنان که در مدیریت اراده مقاومت در برابر هوای نفس احساس ضعف کرد، بدون جوسازی، دل‌ورانه و با سرافرازی از مقام خود استعفا کند.

محصور ماندن انقلاب در کشور

امام خمینی انقلاب اسلامی را از آن همه مسلمانان، بلکه مستضعفان جهان می‌داند و آگاهی از اهداف انقلاب و استفاده از دستاوردهای آن در دیگر نقاط جهان را از عوامل وحشت مستکبران شمرده است. ایشان به دستااندر کاران توصیه می‌کرد انقلاب را پیش ببرند و صدای آن را به گوش دیگر مسلمانان برسانند.

از نگاه ایشان دستور انقلاب از یک سو می‌تواند تاکتیکی تهاجمی علیه دشمنان انقلاب برای دورکردن خطر آنان از انقلاب و تهاجمی از آن باشد و ازسوی دیگر، اندیشه دستور انقلاب، هم آرمان و هدف متعالی و هم سیاست و راهبرد کلان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. ایشان تداوم انقلاب و نابودی قدرت‌ها و ابرقدرت‌های را که کمر به نابودی انقلاب می‌نهند، وابسته به صدور انقلاب دانسته و هشدار داده است اگر انقلابیان در محیطی درسته به‌مانند قطعاً با شکست مواجه خواهند شد.

تحریف تاریخ انقلاب

امام خمینی با توجه به ضرورت ثبت و انتقال واقعیت‌ها به نسل آینده و جلوگیری از تحریف تاریخ انقلاب به دست نویسندگان غیرمتعهد و وابسته به قدرت‌های غربی و شرقی، لازم دانست است تاریخ پرچادته انقلاب اسلامی همان گونه که هست ثبت شود و از نقش مستضعفان در انقلاب غفلت نشود و در حد امکان تلاش شود برای جلوگیری از تحریف تاریخ با صدا و تصویر به‌خصوص از زبان توده‌های رنج‌دیده مستند گردد. ایشان همچنین درباره تحریف تاریخ انقلاب و برداشت‌های لیبرالیستی و ماتریالیستی از وقایع تاریخی به‌ویژه در کتاب‌های درسی و دانشگاهی پس از انقلاب ابراز نگرانی و تأسف کرد و در نامه‌ای از ریاست وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی خواست به این امور رسیدگی کند.

جمهوری اسلامی

روحانیت و التیام زخم‌ها

مهدی پورحسین

حوادث دی ماه سال جاری، یکی از تلخ‌ترین حوادث پس از انقلاب اسلامی است که به خاطر ریخته شدن خون هزاران تن از هموطنان ما بر روی زمین، به آسانی قابل فراموشی نیست و جامعه نیز به خاطر آن، همچنان آزرده و در شوک بسر می‌برد. در این شرایط، اگر چه همه شهروندان و به ویژه حکومت در التیام این زخم کاری بر جامعه تحیف ما، وظیفه‌مند و دارای مسئولیتند اما در این میان، مسئولیت حوزویان و روحانیان بخاطر رسالتی که از آغاز برای خود تعریف کرده‌اند، دوچندان است و چند کار را بدین منظور، باید در اولویت قرار دهد.

۱. صرفنظر از عده معدودی عوامل مستقیم دشمن که به سزای اعمال خود رسیدند، اکثریت کشته شدگان این حوادث، چه با فریب دشمن و عدم آگاهی از کید آنان، در صف معترضان و اغتشاشگران قرار گرفته باشند و چه در دفاع از دین، کشور و مردم، شهید شده باشند، فرزندان این مرز و بوم بودند که قابل احترام می‌باشند. لذا روحانیت به عنوان پدر جامعه باید غیر از عوامل شناخته شده دشمن، همه را فرزندان خود بداند و از ایجاد دوقطبی در میان کشته شدگان و خانواده‌های آنان به شدت بپرهیزد. قطعاً الان زمان شصامت فریب خوردگان نیست و اگر جای شماعتی باشد، متوجه خیل عظیم روحانیت است که با همه امکانات سخت افزاری و نرم افزاری که از آن برخوردار بوده، چرا از قبل پیش‌گیری نکرده و نوجوانان و جوانان را واکسینه نکرده‌اند تا به دام دشمن نیافتند. از این رو، هر سخنی که با دوقطبی سازی در جامعه، آتش اختلاف را بر افروزد، حرکت در مسیر دشمنان خواهد بود و ناراضیاتی بیشتری را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. در این میان، روحانیون تربیون‌دار و اهل منبر و ائمه جماعت و جمعه وظیفه سنگین‌تری دارند.

۲. با فرض این که برخی از کشته شدگان عادی در این حوادث و فریب خوردگان از دشمن مقصر باشند که هستند، خانواده‌های آنان داغدارند و نیاز به دل‌داری و همدردی دارند. روحانیان، به ویژه ائمه جماعات و جمعه می‌توانند با همراهی و همدری عمومی و علنی و یا شرکت در مراسم ختم این قبیل کشته شدگان و حتی با حضور در منازلشان، با این خانواده‌ها همدردی کنند و شکاف احتمالی میان این خانواده‌ها با انقلاب، نظام و دین را پر نمایند. همراهی و همدردی با این خانواده‌ها، می‌تواند دل‌های این خانواده‌ها را به روحانیت نزدیک کند، پایه‌های نظام را مستحکم نماید و دشمنی دشمنان را عقیم بگذارد.

۳. به تصریح مسئولان عالی رتبه کشور، معترضان اولیه‌ای که به خیابان آمدند و هم خیل عظیمی از معترضان که به خیابان نیامدند، مطالبات به حقی دارند که باید بر طرف شود. روحانیت به عنوان پیش‌بران مطالبات به حق مردمی در تمامی حیات سیاسی خود، می‌تواند در این عرصه هم، زبان مردم باشد و خود مطالبات به حق آنان را با شیوه‌های صحیح و علنی پیگیری کند. اگر مردم احساس کنند که روحانیت نیز نسبت به حقوق آنان اهتمام دارد و زبان آنان در برابر مسئولان است، دلیلی ندارد که روحانیت را مقصر در تمام مشکلات کشور بدانند. اگر معترضی به همراهی دشمن در آتش زدن اماکن مقدس، مساجد، تکایا و حوزه‌های علمیه همراهی می‌کند، نه لزوما به معنای ضدیت با دین، بلکه بدین خاطر است که روحانیت را مسبب و شریک در مشکلات خود می‌بیند لذا بدنه روحانیت باید تلاش کند این ذهنیت را از جامعه بزدايد و همراهی با مردم را در سرلوحه کار خود قرار دهد.

این راهکارها اگر چه آسان، اما برای همبستگی اجتماعی در ایران امروز ما و در التیام زخم جامعه بسیار راهگشا است.